

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله عقیده اسلامی ۱۶

ایمان به کتاب های آسمانی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على
رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و
اما بعد :

ارکان ایمان شش تا هستند و دلیل بر آن این فرموده الله تعالی می باشد:

﴿لَيْسَ الْإِيمَانُ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْإِيمَانَ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَآلَمَئِكَهٖ وَآلَكَتَبِ وَالنَّبِيِّنَ﴾ بقره ۱۷۷

یعنی: «نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید بلکه نیکی این است که به الله، روز آخرت، ملائکه، کتابها و پیامبران ایمان داشته باشید».

واز سنت حدیث جبریل است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال می کند و می گوید: «أَخْبَرَنِي عَنِ الْإِيمَانِ قَالاً أَنْ تَوْفَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتَوْفَنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ قَالَ صَدَقْتَ» متفق علیه: بخاری (۵۰) و مسلم (۸).

«مرا از ایمان خبر ده، ایشان فرمودند: ایمان عبارت است از این که ایمان بیاوری به یگانگی خدا، به ملائکه، به پیامبران، به روز قیامت، به سرنوشت؛ (یعنی تقدیر)، و ایمان بیاوری به خیر و شر آن. گفت: راست گفتی».

در اینجا به بررسی ایمان به کتب آسمانی می پردازیم و باتوجه به اینکه آیات این کتابها وحی الهی هستند، قبل از هر چیز به بررسی مبحث وحی خواهیم پرداخت.

مسلمان به تمام کتابهایی که خداوند بر بعضی از پیامبران نازل کرده، ایمان دارد، و یقین دارد که آنها کلام خدا

هستند، خداوند آنها را به پیامبران خود وحی کرده تا آنها توسط آن (کتاب) دین و احکام خدا را بمردم برسانند.

مهمترین این کتابها عبارتند از تورات که بر حضرت موسی علیه السلام و زبور که بر حضرت داود علیه السلام و انجیل که بر حضرت عیسی علیه السلام و قرآن کریم که بر ختمی مرتبت، حضرت محمد صلی الله علیه وسلم نازل شده اند.

همچنین هر مسلمان ایمان دارد که از میان این چهار کتاب آسمانی، قرآن بزرگترین آنها و محافظ خطوط اصلی آنها است.

تعریف لغوی وحی: اعلام کردن سریع و مخفیانه است.

وحی بر اشاره، نوشتن، پیام و الهام اطلاق می شود. و تمام آنچه که تو بر غیر خود القا می کنی تا آن را بفهمد صرف نظر از اینکه کیفیت القا چگونه باشد به آن وحی گفته می شود و آن به انبیاء اختصاص ندارد و تنها از نزد الله تعالی نمی آید.

وحی در معنای لغوی شامل موارد زیر است:

۱. الهام فطری به انسان مانند وحی به مادر موسی. الله تعالی می فرماید: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ» قصص ۷. «به مادر موسی وحی کردیم که به او شیر ده».

۲. الهام غریزی برای حیوان. مانند وحی به زبور. خداوند می فرماید: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا» نحل ۶۸.

«و پروردگارت به زنبور عسل وحی کرد که از کوهها برای خود خانه ای برگیرد».

۳. اشاره کردن سریع از طریق ایما و اشاره. مانند اشاره زکریا به قومش. خداوند می فرماید: ﴿خَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾ مریم ۱۱.

«از محراب بر قوم خویش بیرون آمد و با اشاره آنها را آگاه گرداند که روز و شب به تسبیح خداوند پردازند».

۴. وسوسه شیطان و زینت دادن بدی در نفسهای دوستانش. خداوند می فرماید: ﴿وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيَوْحُونَ إِلَى أُولِيَآئِهِمْ لِيُجْنِدُواكُمْ﴾ انعام ۱۲۱.

«و شیاطین به دوستان خود وسوسه می کنند تا با شما مجادله نمایند».

۵. اموری را که الله تعالی جهت انجام آن به ملائکه القام می کند چنانکه می فرماید: ﴿إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ انفال ۱۲.

«هنگامی که پروردگارت به ملائکه وحی کرد که من با شما هستم پس کسانی را که ایمان آورده اند، ثابت قدم دارید».

تعریف وحی از دیدگاه شریعت:

شرع یا کتابی را که الله تعالی با واسطه یا بدون واسطه به پیامبرانش می رساند، وحی گویند.

انواع وحی:

وحی از جانب الله تعالی از چندین راه حاصل می شود که خداوند در سوره شوری آن را بیان می نماید: ﴿وَمَا كَانَ لِنَبِّئٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَآئِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ مُّسْتَعِينٍ﴾ شوری ۵۱.

«هیچ بشری را سزاوار نیست که با خداوند سخن بگوید مگر از طریق وحی یا از پشت حجاب یا رسولی را بفرستد و به اذن او هرچه بخواهد وحی نماید. همانا او بلند مرتبه و حکیم است». خداوند خبر می دهد که سخن گفتن و وحی او به انسان از سه طریق انجام می گیرد:

حالت اول: وحی تنها و آن چیزی است که خداوند بخواهد در قلب کسی که به او وحی می شود، قرار دهد بگونه ای که شکی نداشته باشد که آن از جانب الله است. و دلیل آن این سخن الله تعالی است: ﴿إِلَّا وَحْيًا﴾ «مگر از طریق وحی». و مثال آن همان است که عبدالله بن مسعود از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمود: «**إِنَّ رُوحَ الْقُدُسِ نَفَثَ فِي رُوعِي لَن تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمَلَ رِزْقَهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ**» (سنن ابن ماجه (۲۱۴۴))

«همانا روح القدس در دلم انداخت که: هرگز کسی نمی میرد تا زمانی که روزی اش را به تمام و کمال دریافت دارد پس از خدا بترسید و در درخواستتان عجله نکنید».

دسته ای از اهل علم رؤیای پیامبران را از این نوع وحی می دانند. مانند رؤیای ابراهیم علیه السلام چنانکه الله تعالی از آن خبر داده است:

﴿قَالَ يَبْنَؤُا إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْكُرُ﴾ صافات ۱۰۲.

«گفت ای فرزندم در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم».

و مانند رؤیای پیامبر صلی الله علیه وسلم در ابتدای بعثت که شیخین از عایشه رضی الله عنها روایت میکنند که گفت: «**أَوَّلَ مَا بَدَأَ بِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْوَحْيِ الرَّؤْيَا الصَّالِحَةُ فِي النَّوْمِ، فَكَانَ لَا يَرَىٰ رُؤْيَا إِلَّا جَاءَتْ مِثْلَ فَلَقِ الصُّبْحِ**» (بخاری (۳)، مسلم ۱۶۰)

«آغاز وحی بر رسول الله صلی الله علیه وسلم به وسیله خوابها و رؤیاهای راستین، شروع شد. و آنچه را که رسول الله صلی الله علیه وسلم در عالم رؤیا می دید، مانند روشنی صبح، تحقق پیدا می کرد».

حالت دوم: صحبت کردن از پشت حجاب و بدون واسطه چنانکه برای تعدادی از رسولان و انبیاء ثابت شده است مانند صحبت کردن خداوند با موسی علیه السلام که الله تعالی در چندین آیه از کتابش در مورد آن خبر داده است.

چنانکه می فرماید: ﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا﴾ نساء ۱۶۴.

«و خداوند با موسی سخن گفت»

و میفرماید: ﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ﴾ اعراف ۱۴۳.

«و هنگامی که موسی به وعده گاه آمد پروردگارش با او سخن گفت».

و مانند سخن گفتن الله تعالى با آدم. می فرماید: ﴿فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ﴾ بقره ۳۷. «آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود».

مانند سخن گفتن الله تعالى با پیامبر ما، محمد صلی الله علیه وسلم شب اسراء چنانکه در سنت ثابت است. و دلیل برای این نوع وحی آیه: ﴿أَوْ مِنْ وَرَآئِ حِجَابٍ﴾ می باشد.

حالت سوم: وحی به وسیله ملائکه صورت می گیرد. و دلیل برای آن این سخن الله تعالى است: ﴿أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِلَاذِنِهِ مَا يَشَاءُ﴾ «یا رسولی را بفرستد و به اذن او هرچه بخواهد وحی نماید». و این مورد مانند نازل شدن جبریل علیه السلام به وسیله وحی از جانب خداوند بر انبیاء و رسولان است.

تمام قرآن بدینصورت نازل شده است که الله تعالی تکلم نموده و جبریل علیه السلام از الله عزوجل آن را شنیده و به محمد صلی الله علیه وسلم ابلاغ نموده است.

الله تعالی می فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿۱۹۲﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿۱۹۴﴾ (شعراء ۱۹۲-۱۹۴)

«و قرآن از جانب پروردگار عالمیان نازل شده است روح الامین آن را فرو آورده است، بر دل تو نازل کرده تا از جمله اندرز دهندگان باشی»

و می فرماید: ﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ﴾ نحل ۱۰۲
«بگو آن را روح القدس از نزد پروردگارت فرود آورده است».

وحی جبریل علیه السلام به پیامبر ما صلی الله علیه وسلم به سه صورت روی داده است:

۱. رسول الله صلی الله علیه وسلم او را بر شکلی که خلق شده دیده است و این امر تنها دو بار اتفاق افتاد که بیان آن قبلاً گذشت.

۲. او وحی را به مانند صدای زنگ می آورد هنگامی که رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را کاملاً فرا می گرفت این کیفیت خاتمه می یافت.

۳. جبریل در شکل مردی پیش او می آمد او را مورد خطاب قرار داد چنانکه در حدیث جبریل که قبلاً بحث شد از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد مراتب دین سؤال نمود.

پیامبر صلی الله علیه وسلم دو حالت اخیر را در جواب سؤال حارث بن هشام که از او در آن مورد پرسید، خبر داده است. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: ﴿فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحْيَانًا يَأْتِينِي مِثْلُ صَلَاطَةِ الْجَرَسِ وَهُوَ أَشَدُّهُ عَلَيَّ فَيَقْصِمُ عَنِّي وَقَدْ وَعَيْتُ عَنْهُ مَا قَالَ وَأَحْيَانًا يَتَمَثَّلُ لِي الْمَلَكُ رَجُلًا فَيَكَلِّمُنِي فَأَعَى مَا يَقُولُ﴾ (ومسلم ۲۳۳۳)

«رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «گاهی به من وحی می شود مثل اینکه زنگی را به صدا در آورده اند؛ این حالت سخت ترین نوع وحی بر من است. آنگاه از من جدا می شود

درحالیکه آنچه گفته فرا گرفته ام. گاهی هم ملائکه وحی، بصورت انسانی می آید و با من سخن می گوید و من گفته هایش را حفظ می کنم».

ایمان به کتابها و دلیل برای آن:

تعریف کتب: کتب جمع کتاب است و کتاب مصدر کتب یکتب کتابا می باشد. سپس به آن مکتوب (نوشته شده) گفتند. و کتاب در اصل اسم برای صحیفه ای که در آن نوشته شده است، می باشد. الله تعالی می فرماید: ﴿يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ﴾ نساء ۱۵۳ «اهل کتاب از تو می خواهند که از آسمان کتابی بر آنان فرود آوری» و مراد از کتابها اینجا: کتابها و مصحف هایی است که محتوی کلام الله تعالی می باشند که به رسولان علیهم السلام وحی کرده است. چه به صورت مکتوب و نوشته شده باشد مانند تورات یا از طریق ملائکه بصورت شفاهی نازل شده و بعد از آن مانند سایر کتابها نوشته شده باشد.

حکم ایمان به کتابهای آسمانی:

ایمان به کتابهایی که خداوند بر تمام رسولان نازل نموده رکن بزرگی از ارکان ایمان و اصل بزرگی از اصول دین می باشد و ایمان جز به وسیله آن تحقق پیدا نمی کند. کتاب و سنت بر آن دلیل می باشند.

دلیل بر آن از کتاب الله تعالی این سخن می باشد: ﴿يَتْلُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ

عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٣٦﴾ نساء

«ای کسانی که ایمان آورده اید به کتابی که بر پیامبرش نازل کرده و بر کتابی که از قبل نازل نموده است ایمان بیاورید و هر کس به الله، ملائکه، کتابها، پیامبران و روز آخرت کافر شود در گمراهی بسیار دوری افتاده است». الله تعالی بندگان مؤمنش را در این آیه به داخل شدن در تمام شعائر، شعب و ارکان ایمان امر می کند. ایشان را امر می کند که به الله و پیامبرش، محمد صلی الله علیه وسلم و کتابی که بر او نازل نموده که قرآن می باشد و کتابی که از پیش نازل نموده که شامل تمام کتابهای پیشینیان مانند تورات، انجیل و زبور می باشد، ایمان بیاورند. سپس در آخر آیه بیان می کند که هر کس به چیزی از ارکان ایمان کافر شود در گمراهی بسیار دوری افتاده و از مسیر درست خارج گشته است. و از جمله ارکان ایمان که ذکر شد ایمان به کتابهای الله تعالی می باشد.

الله تعالی می فرماید: ﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾ بقره ۱۷۷

«نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید بلکه نیکی این است که به الله، روز آخرت، ملائکه، کتابها و پیامبران ایمان داشته باشید». الله تعالی از حقیقت نیکی خبر می دهد که آن ایمان آوردن به چیزهایی است که

در ارکان ایمان ذکر شد. و عمل نمودن به کارهای نیک وارد شده در آیه بعد از این عمل آمده است. و از جمله ارکان ایمان، ایمان به کتاب می باشد. ابن کثیر می

گوید: «هو اسم جنس يشمل الكتب المنزلة من السماء على الأنبياء . حتى ختمت بأشرفها ، وهو القرآن المهيم على ما قبله من الكتب» (تفسیر ابن کثیر ۱ / ۲۹۷).

«آن اسم جنس است و شامل کتابهایی که از آسمان بر انبیاء نازل شده می گردد تا اینکه به اشرفترین و بزرگترین آنها که قرآن است و نگهبان و شاهد بر کتابهای پیشین است ختم گردید».

و در بیان ایمان به تمام کتابها الله تعالی به بندگان مؤمنش امر می کند که اهل کتاب را با این سخن مورد خطاب قرار دهند: ﴿قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَخَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ بقره ۱۳۶.

«بگویند به خدا و آنچه که بر ما فرو فرستاده شده و آنچه که به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان یعقوب فرو فرستاده شده و آنچه که به موسی و عیسی داده شده و (نیز) آنچه که به (دیگر) پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده است، ایمان آورده ایم. و در ایمان آوردن به پیامبران بین هیچکدام از آنان تفاوتی نمی گذاریم. و فرمانبردار او (خداوند) هستیم».

آیه در برگیرنده ایمان مؤمنان به آنچه خداوند بر آنها به واسطه رسولش صلی الله علیه وسلم نازل نموده و آنچه بر پیامبران که در آیه ذکر شده و آنچه بر بقیه انبیاء نازل شده است، می باشد و آنها در ایمان به پیامبران بین هیچکدام فرقی نمی گذارند و به تمام پیامبران و تمام کتابهایی که خداوند به ترتیب نازل نموده است، باور دارند. و آیات در بیان این موضوع از کتاب خداوند بسیار است.

سنت نیز همچنین بر واجب بودن ایمان به کتابهای آسمانی دلالت دارد. و ایمان به آن رکنی از ارکان ایمان محسوب می شود. و دلیل بر آن حدیث جبریل و سؤال او از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد ارکان ایمان می باشد که پیامبر صلی الله علیه وسلم در جوابش ایمان به کتابهای آسمانی را همراه بقیه ارکان ایمان ذکر نمود. حدیث در فصل گذشته آورده شد و نیازی نیست که اینجا دوباره تکرار شود. پس با این نصوص ثابت شد که ایمان به کتابها و تصدیق تمامی آنها و اعتقاد به اینکه تمام آن از جانب الله بر رسولانش به حق و باعث هدایت نور و روشنایی می شوند، واجب است و هر کس آن را دروغ بداند یا چیزی از آن را انکار نماید او به خداوند کافر و از دین خارج گشته است.

دلایل عقلی:

۱ - ناتوانی انسان و نیاز او به اصلاح جسم و روح اقتضا می کند که کتابهایی مشتمل بر احکام خداوند و قوانینی که تحقق بخش هنر و زیبایی انسان هستند و راه تأمین

نیازهای دنیا و آخرت را به او می‌آموزند، برایش فرستاده شود.

۲ - از آنجا که پیامبران واسطه بین خدا و بندگان او هستند و مانند سایر انسانها عمری محدود دارند و روزی باید زندگی را بدرود حیات گویند، اگر رسالت و مأموریت آنان در قالب داشتن کتاب نباشد، پس از رحلت آنان، احکامی را که مأمور تبلیغ آن بودند، از بین خواهند رفت. و مردم، بدون واسطه خواهند ماند. و هدف اصلی وحی و رسالت از دست خواهد رفت. پس بدون کوچکترین تردیدی باید گفت وضعیت یاد شده اقتضا می‌کند که کتب (آسمانی) باید در میان انسانها وجود داشته باشد تا با مراجعه به آن منشورهای آسمانی، راههای حصول به سعادت را دریابند.

۳ - اگر پیامبری که مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند، حامل کتاب آسمانی که در برگیرنده احکام و هدایت و رهنمودهای متعالی است، نباشد، تکذیب و انکار رسالتش برای مردم آسان خواهد بود. پس این وضعیت، یعنی اتمام حجت برای مردم (از سوی خدا) مقتضی وجود کتب آسمانی در میان آنها می‌باشد.

ثمرات ایمان به کتابهای آسمانی:

ایمان به کتابهای آسمانی آثار عظیم و بزرگی بر مؤمن به همراه دارد که از آنجمله:

۱. شکر نمودن الله تعالی بخاطر لطف و عنایتش نسبت به بندگان که کتابهایی که متضمن ارشاد و هدایت ایشان است

و در آن خیر و صلاح دنیا و آخرتشان موجود است را نازل فرموده است.

۲. آشکار گشتن حکمت الله تعالی از آن جهت که این کتابها را برای هرامتی مناسب حالشان تشریع نموده و ختم کننده تمام کتابها، قرآن عظیم را مناسب حال تمام مخلوقات در عصرها و شهرها تا برپایی قیامت مقرر کرده است.

۳. اثبات صفت کلام برای الله تعالی و اینکه کلام او شبیه کلام مخلوقات نیست و مخلوقات از آوردن کلامی به مانند آن عاجزند.

**وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله
وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.**